

شاهنامه در گرجستان

«در گرجستان هیچ یک از آثار کلاسیک ادبیات فارس و تاجیک و عموماً قافله سالاران ادبیات غیرگرجی به اندازه اثر فردوسی، انتشار نیافته و مقبول ادب دوستان واقع نگردیده است».

ج. تسیر تسودزه
(Tsertsradze)

سرچشمه‌های تاریخی و ادبی گرجی شهادت می‌دهند که شاهنامه بی‌زوال اب القاسم فردوسی از سده دوازدهم به زبان گرجی ترجمه شده است. متأسفانه، ترجمه این یادگار بزرگ، بر اثر حوادث تاریخی تا به امروز نرسیده است. ولی در زمره آثار خطی گرجی از قبیل، «امیردار جووشانی»، «اب‌المسیح» شاولی، «تاماریانی» چاخرخادزه، «پلنگینه پوش» روستاولی که در سده دوازدهم تألیف شده و به دست ما رسیده‌اند به نام‌های قهرمانان شاهنامه برمی‌خوریم. چنانچه شاعر بزرگ گرجی «شوتاروستاولی» در بند ۱۹۲ داستان «پلنگینه پوش» که یکی از شاهکارهای ادبیات جهان است، ضمن توصیف قهرمانی‌های «آوتاندیل» تیر او را بلندتر از تیر کمان رستم تصویر نموده است. در بند ۱۶۱۴ این داستان نیز، از فردوسی به عنوان «حکیم» یاد شده است. در سده‌های بعدی، به ویژه از آغاز سده پانزدهم مترجمین گرجی در برگردان شاهنامه کوشش بیشتری به خرج داده‌اند: چندین داستان از این شاه اثر، مانند «رستمیانی» (داستان رستم از زمان زایش زال تا به هنگام مرگ گشتاسپ) و «زاآکیانی» (داستان ضحاک) توسط «ماموکی مدیوانی» ترجمه شده است. همچنین، شاعر گرجی «واگنادزه» داستان‌های شاهنامه را از زمان کیومرث تا به هنگام زایش زال زیر تحت عنوان «اُرتوتیان - سامیانی»

ترجمه کرده است. برگردان‌های منثور نیز وجود دارند که آن‌ها را به دلیل اختلاف با منابع فارسی، ترجمه اثر نامیدن را نشانند. ولی، به رویه شاهنامه سروده شده‌اند و در ادبیات گرجی بعنوان شاهنامه پذیرفته شده‌اند مانند: «فریدونیانی» (داستان فریدون)، «اتروتیان - سامیانی» (داستان اتروت و سام)، «کتاب سام پهلوان» (ماجراهای زمان پادشاهی جمشید تا داستان ضحاک و رودابه)، «زآکیانی» (داستان ضحاک) و...

ایران‌شناس معروف گرجی پروفیسور «کوبیدزه» طی تحقیق‌هایی درباره ترجمه‌ها و گونه‌های منظوم و منثور شاهنامه اعلام می‌دارد که، «ترجمه‌های شاهنامه - به زبان گرجی - تنها برای قانع نمودن ذوق اشراف و زمین‌داران نبوده، بلکه برای تقویت روحیه قهرمانی و تربیت کردن جوانان گرجی و ایجاد روح دل‌آوری در مردم گرجی برای مقابله با استیلاگران بیگانه بوده است».

ترجمه‌های یاد شده با کوشش جمعی از ایران‌شناسان ورزیده گرجی در سه جلد در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. جلد اول، در سال ۱۹۱۶ با کوشش «عبدولدزه» در تفلیس چاپ شد و شامل داستان‌های ضحاک، سام و رستم می‌باشد. جلد دوم به افتخار هزارمین سالگرد زادروز اب‌القاسم فردوسی در سال ۱۹۳۴ از جانب «عبدولدزه»، «بارامیدزه»، «اینگاروفکا»، «ککیدزه» و «شانیدزه» منتشر شد که «داستان برزو» و چند داستان دیگر را دربر گرفته است. جلد سوم در سال ۱۹۷۵ با کوشش «کوبیدزه» منتشر شد و در آن داستان سام پهلوان، داستان اتروت و سام به نظم و نثر گرد آمده است. جلد مذکور در سال ۱۹۷۶ جایزه آکادمیسین «جووهیشویلی» دریافت کرد.

بسی جالب است که تاریخ ایران‌شناسی نوین گرجی با پژوهش آکادمیسین «مار» در مورد ارتباط روایات گرجی شاهنامه با اصل فارسی آن که سال ۱۸۹۱ در روزنامه «ایوریا» به طبع رسیده بود، آغاز می‌شود. «مار» یکی دیگر از ایران‌شناسان مشهور گرجی است که در تحقیق زبان و ادبیات فارسی سهم ارزنده‌ای دارد. او در پژوهش‌های خویش به فردوسی و اثر وی اعتبار جدی داده است و این حقیقت از مکاتبات او با ایران‌شناس ورزیده روس «چایکین» به روشنی هویدا می‌شود. «مار» در یکی از نامه‌هایش (مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۴) چنین نوشته است: «شاهنامه اثری است که آفتاب نظم فارسی در آن به وجه کمال و ترقی رسیده، منظومه‌ای است که آن را می‌توان گنجینه فصاحت زبان فارسی و کنز سخنوری نامید، یادگاریست که همه داستان‌ها و قصه‌های آن به انواع صنایع و قدرت شعری آراسته شده...

این کتاب تا زمانی که این عالم برپاست، باقی خواهد ماند و رهنمای شعرا و نویسندگان خواهد بود.»

سال ۱۹۳۴ جشن هزارمین سالگرد اب القاسم فردوسی بسیار با شکوه برگزار گردید. اهل علم و ادب گرجی نیز به همین مناسبت راجع به زندگی و خلاقیت این شاعر بزرگ یک سلسله آثار علمی منتشر نمودند که از این میان نوشته‌های «مار» شامل شاهنامه و ادبیات گرجی، فردوسی، شاهنامه فردوسی می‌باشد و نیز یک لوحه شاهنامه در فولکور گرجی، اثر «شانیدزه»، - فردوسی و شاهنامه او، فردوسی و روستاوی از «بارامیدزه» - شاهنامه فردوسی و تفسیر روایات گرجی آن از «عبدولدزه» شاهنامه فردوسی در ادبیات گرجی اثر «ککیدزه» قابل توجه‌اند.

در تحقیق و ترغیب شاهنامه ایران‌شناس ورزیده گرجی پروفیسور «کوبیدزه» نیز سهم ارزنده‌ای دارد. او بین سال‌های ۴۷-۱۹۴۶ دوجلد کتاب با نام «ادبیات فارسی» تألیف کرد که جلد دوم آن کاملاً پژوهشی است در شاهنامه در سال ۱۹۵۹ «کوبیدزه» از موضوع دکتری خویش - «منبع‌های فارسی روایات گرجی شاهنامه» - دفاع نمود و همان سال این اثر تحقیقاتی را که محصول زحمت چندین ساله‌اش بود، به خوانندگان پیشکش کرد. این پژوهشگر دقیق، در دو اثر بزرگ خویش، «جنگ پارسی» (دو جلد، ۱۹۶۳ و ۱۹۶۷) و «تاریخ ادبیات پارسی» و نیز در سلسله مقالات دیگرش، راجع به زندگی و خلاقیت فردوسی و موقعیت شاهنامه او در ادبیات جهانی سخن گفته است.

در سال ۱۹۶۳ اثر علمی و تحقیقی پروفیسور «گواهاریا» در مورد «اب القاسم فردوسی» در سلسله مقالات «زندگانی بزرگان» توسط انتشارات «ناکادولی» با تیراژ ۱۰ هزار جلد در دسترس دوستداران قرار گرفت. مؤلف ضمن نقل زندگی عبرت بخش و زحمت طولانی فردوسی در جهت سرایش شاهنامه، مضمون عمده‌ترین داستان‌های این حماسه بزرگ را به زبان ادبی برای خواننده حکایت می‌کند.

«گواهاریا» در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که شاهنامه نه تنها قاموسی است که در آن با مهارت تام و هنر عالی، تاریخ و زندگی ایرانیان باستان تصویر شده، همچنین مخزن بی‌پایان حکمت است که اشخاص فهمیده، طول قرون متمادی از گوهرهای گرانبهای آن بهره گرفته‌اند و خواهند گرفت. شیره این اثر بی‌زوال ترنم انسان‌دوستی راستین و محبت بی‌پایان به میهن است.

درباره اب القاسم فردوسی و شاهنامه بی‌زوال او، گروه دیگری از خاورشناسان گرجی

نیز مقالاتی نوشته‌اند که از آن جمله شاهنامه فردوسی در فولکورگرگی اثر «شانیدزه» - «عناصر لغوی عربی در شاهنامه از «باغاوا»، سیمای زنان در شاهنامه از «توناشویلی» و تاریخ ادبیات فارس (تاجیک) از «گواهاریا» و چندی دیگر قابل توجه‌اند.

شایان ذکر است که طی چند سال اخیر داستان‌های گوناگون شاهنامه توسط بنگاه‌های چاپی، روزنامه و مجلات و صدا و سیمای گرجستان پیشکش دوستداران آثار فردوسی بزرگ شده است که این از محبوبیت سخن آفرین فارس (تاجیک) میان مردم گرجی گواهی می‌دهد. یکی دیگر از نشانه‌های توجه این ملت متمدن به شاهنامه آن است که اکثر نام‌های قهرمانان این شاه‌اثر به‌عنوان اسامی ملی گرجی پذیرفته شده‌اند. مثل: رستم (Rostam)، سهراب (Zurab)، زال (Zaal)، بیژن (Bižan)، گیو (Givi)، هوشنگ (Ushangi)، تهمورث (Taymuzaz) و غیره.

«اثر واقعاً بزرگ در دایره یک ملت محدود نمی‌ماند» «گواهاریا» می‌گوید - «فردوسی و شاهنامه او مدت‌هاست که از مرزهای میهن خویش بیرون رفته، و برای همه مردم عالم محبوب و مقبول گشته است. جهان‌گردان تغییر می‌کند، بشریت پیش می‌رود، ولی همیشه میهن‌دوستی، مردانگی و قهرمانی، راستی و نکوکاری، عشق و وفا و سایر حقیقت‌های جاوید که فردوسی آن‌ها را با مهارت ستوده است، برای انسان، عزیز و ناگزیر می‌مانند».

رسولی - استاد دانشگاه آموزگاری، تاجیکستان

(مجله «علم و زندگی»، چاپ دوشنبه)

تهیه داریوش ایراندوست

● همه کشورهای اروپای شرقی از لهستان تا مجارستان و بلغارستان، بار دیگر کمونیست‌های سابق که «دیکتاتوری پرولتاریا» را از نظریه خود حذف کرده‌اند از طریق دمکراتیک (انتخابات) به قدرت بازگردانده‌اند، ولی کسی باور نمی‌کرد که در جمهوری چک، با تورم و بیکاری زیر ده درصد هم، مردم به کمونیست‌ها روی آورند. انتخابات اخیر نشان داد که نزدیک به نیمی از مردم چک به کمونیست‌ها رأی داده‌اند و جامعه‌شناسان عقیده دارند که افزوده شدن شکاف (فاصله) غنی و فقیر که ناشی از اجرای سیاست اقتصاد بازار آزاد است بیش از تورم (گرانی) و بیکاری، مردم را به سوسیالیسم متوجه می‌کند. نتایج انتخابات «چک» از این قرار است: کمونیست‌ها ۸۳ کرسی، حزب دمکرات مدنی (حاکم) ۶۸ کرسی، دمکرات مسیحی ۱۸ کرسی، حزب جمهوریخواه ۱۳ کرسی، منفردین ۱۸ کرسی. به این ترتیب هیچ‌یک از احزاب، اکثریت کافی به دست نیاورده است و کمونیست‌ها در پارلمان ۲۰۰ نفری جمهوری چک بیش از دیگران کرسی دارند.

همشهری چهارشنبه ۷۵/۳/۱۶